

وام

پوار دایح بیابان .  
رنگی نقشه ، رنگ خورده .  
خاک و خارستان  
تا افق جانوش .

x

نه یک پرندۀ زنده بر  
نه سرفای

نه درختی بر

نه باد زخمی گر

نه پروی که ببند

که آبیوان عطش کرده زفته اند از بوس

x

اگر عروغ فرود آید و بساید ماه

اگر نه ماترسم از رمی نه وا هم از بوس

ز روح ما ر بیابان

وزی ختم سدران

چگونه تو سفران را  
خبر کنده جانوش ؟

x x x

اله

۳۱ دسامبر ۱۹۱۱  
لندن

سوار دایم بیابان  
زبان لفته ، حرف خورده  
خاک و خارستان ،  
ما فوق خورش

x نه یک برنده زند هر

نه بیوان

نه درختی

نه یک نیم نوار

که بگذرد ز آغاج

که آبروان عظمی کرده زفته اند از بوس

x نه تنه از که برارد

ز روز سنه خورش !

x سکوت بلخ

سکوت زبون

سکوت سیاه

x اگر عذب بود آید و نماند ماه  
اگر که ما نرسیم از همی به دانه ارض

ز روح ما بیابان

از این لایب نه آزاران

گلونه نونفران را ، خیر کند چاویس ؟

x x x

نندله حساب ۱۹۸۸

عزانه

